

چرا جلو آب باران را نگر فتم تا هر نور؟

این حرکت نیست پسرم؟ الان دریاها پر آب می شه، می تونیم کلی تفریحات آبی سالم بکنیم و نشاط جامعه رو افزایش بدیم!

پدر، می گم این بارندگیا همه ش داره می ریزه به دریا، نمی خواین توی این خشک سالی یه حرکتی بزنین حیف نشه؟



کارتون: محمد علی راجی

رئیس سازمان هواشناسی گفت بخش درخور توجهی از آب حاصل از بارش های اخیر، وارد دریا شده است. زیرا مدیریت و جمع آوری نشد. البته که مثل همیشه این اتفاق تقصیر هیچ مدیر و مسئول و وزیر و وکیل نیست و فقط ما مردم مقصر هستیم. با هم بررسی کنیم که برای نگهداری آب بارش های اخیر چه می توانستیم بکنیم که کم کاری کرده ایم.

موج شکن معکوس

می ماند آب های فزار که از همه این روش ها دررفته اند و دیگر نتوانسته ایم آن ها را حفظ کنیم. اینجا بود که باید با ساخت «نکش جوم» (همون موج شکن به صورت برعکس!) از ورودشان به دریا جلوگیری کنیم. موج شکن جلو هجوم آب دریا به ساحل را می گیرد، موج شکن معکوس یا همان «نکش جوم» از ورود آب به دریا جلوگیری می کند.

تشویق به باریدن

وظیفه بعدی ما این بود که به روند بارش ها واکنش نشان داده و آن را ادامه دهیم. شاید پیرسید ما چطور می توانستیم باریدن باران را ادامه دهیم. به راحتی! با تشویق ابرها به باروری و باریدن. همچنین می توانستیم بایست هرچه بیشتر عکس و فیلم، باعث شویم ابرها تشویق شوند و همچنان بیارند. به هر حال ما در برابر این بارش ها و مسئولان وظیفه داریم. نباید کم کاری کنیم.

هدایت به زیر سطح

اول از همه باید این آب را به زمین هدایت می کردیم. چگونه؟ این گونه که با حفر سوراخ در زمین، باعث شویم آب های سطحی به زیر سطح بروند. یعنی هر نفر یک بیل یا بیلچه یا حتی یک خودکار بردارد و هر جا زمین صاف ببیند، سوراخ کند تا آب به زیر زمین برود.

فدای سر مسئولان

این بود کارهایی که باید می کردیم و نکردیم و باعث ناراحتی مسئولان شدیم. ولی در زمینه های دیگر می توانیم وظیفه مان را خوب انجام دهیم تا مدیران رانا امید نکنیم. مثلا هر کداممان کپسول گاز برداریم و از دکل های گازی بالا برویم و گازهای فلزی را که در حال هدر رفتن هستند، جمع کنیم. کپسول نداریم؟ از بادکنک و کیسه فریزی استفاده کنیم. یا کپسول آتش نشانی به پشتمان ببندیم و اگر جایی در جنگل ها آتش گرفت، خاموش کنیم. اگر سنگین است، با بیل و پتو هم می شود، ولی باید مواظب باشیم تا نسوزیم و فدای سر مسئولان نشویم.

ثبت باران در تاریخ

قدم بعدی این بود که از این آب به بهترین نحو استفاده کنیم. چطوری؟ این طوری که وقتی خیابان و کوچه را آب گرفته بود، در آن آب شنا می کردیم یا حداقل قایق رانی می کردیم تا بعد دلمان نسوزد آب ها بدون استفاده هدر رفتند. همچنین می شد عکس و فیلم هایی را که گرفته بودیم، به پست و ریل و استوری تبدیل کنیم و با باز نشر آن ها، خاطرات این بارش های خوب را در تاریخ ثبت کنیم. البته انصافا در این زمینه کوتاهی نکردیم، ولی نیاز به تلاش بیشتر بود.

جمع آوری بادبه

بعد از آن باید به ذخیره کردن باران ها می پرداختیم که متأسفانه کوتاهی کردیم. مثلا هر ایرانی باید هرچه دبه و کاسه و کوزه داشت، توی کوچه و روی پشت بام و داخل حیاط می برد تا باران را جمع کند. حتی می توانستیم در خیابان به جای اینکه چتر را بالای سرمان بگیریم، آن را وارونه در بغل می گرفتیم تا آب باران داخلش جمع شود. حالا بعدا سر فرصت برای ذخیره کردن این آب ها یک فکری می کردیم.

صفحه ۵
۶ دی ۱۴۰۴
شماره ۱۶۰

لبخند بز نید

در جواب آن هایی که درباره فرهنگ چند صد ساله ایران و آیین های باستانی میهن صحبت می کنند، با لبخند بگوئید: «تو هنوز درگیر این چیزایی؟» بعد هم محل را با تکان دادن سر از روی تأسف، ترک کنید. این جوری خیلی روشن فکر و آدم حسابی به نظر می رسید!

عکس بگیرد

همه این حرف ها، باد هواست اگر عکسی از مراسم ها گرفته نشود. در واقع مناسبتی که استوری نشود، عملا برگزار نشده است!

خیلی به روز باشید

دنیا هر روز در حال پیشرفت است. دیگر کسی به کارهای دمه و قدیمی مانند عید دیدنی و دورهمی یلدا فکر نمی کند که. جهانی فکر کنید، جهانی فکر کردن یعنی جشن گرفتن مناسبت هایی که اسمشان سخت تلفظ می شود و توضیح دادنشان سخت تر از اسمشان است. مثلا همین کریسمس، خدایی «مری کریسمس» با حال تر است یا «آخ تو شب یلدا می منی»؟

به روز باشید

آدم در قرن ۲۱، در سنت های قدیمی خودش که گیر نمی کند. به جایش دنبال سنت های جدید می گردد. مثلا همین کریسمس، چقدر سنت باحالی است، نه؟ ما توی تاریخمان چنین چیزی کم داشتیم اصلا. در عوض شب یلدا دیگر تکراری شده است، نه؟ انار، حافظ، دورهمی خانوادگی؟ بسیار بسیار خسته کننده! اصلا سنت اگر چند صد ساله باشد، طبیعی است که حوصله بر شود، نه؟!